

## توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی

دریافت مقاله: ۹۶/۳/۱۴ پذیرش نهایی: ۹۷/۲/۲۸

صفحات: ۱۷۹-۱۹۸

طاهر پریزادی: استادیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.<sup>۱</sup>  
Tparizadi@knu.ac.ir

حجت میرزازاده: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
hujjatm93@gmail.com

### چکیده

توزیع نامتعادل امکانات و خدمات اقتصادی، اجتماعی و... بین مناطق، ضرورت توجه به برنامه‌ریزی توسعه فضایی و متعادل نمودن ساختار فضایی کشور را اجتناب ناپذیر نموده است. امروزه موضوع عدالت اقتصادی یکی از پایه‌ای ترین موضوعات است که عدالت توزیعی یکی از بخش‌های آن را در بر می‌گیرد. عدالت توزیعی بر توزیع عادلانه منابع و منافع جامعه بین اقسام مختلف تأکید دارد. پژوهش حاضر به منظور تعیین سطح توسعه یافته‌گی استان‌های کشور ایران در سال (۱۳۹۰) و رتبه بندي آنها براساس میزان توسعه یافته‌گی، همچنین مقایسه سطوح توسعه کشور از ۱۳۴۵ تا کنون انجام گرفته است. این پژوهش بر اساس هدف جزو تحقیقات شناختی و از منظر روش جزو تحقیقات ارزیابی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری طبق آخرین تقسیمات سیاسی ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۰ و شاخص‌های مورد بررسی شامل ۳۳ شاخص در چهار بعد ( اقتصادی، زیربنایی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و بهداشتی - درمانی) بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های تحلیل عاملی و تحلیل خوشی در نرم افزار spss استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین استان‌های کشور از نظر توسعه یافته‌گی، تفاوت‌ها دارای نابرابری هایی می‌باشد؛ به طوری که استان تهران به تنها یی در طول چند دهه بالاترین سطح توسعه یافته‌گی و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین سطح در بین استان‌های دیگر را دارا می‌باشد. همچنین مقایسه استان‌ها در طول دوره‌های مختلف نشان از نابرابری توسعه مرکز نسبت به پیرامون دارد. طبق نتایج بدست آمده از تحقیق برای کاهش نابرابری بین استان‌های کشور، ضمن توجه به استعدادها و توان‌های هر منطقه در اولویت قرار دادن استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ی را می‌طلبد.

**کلیدواژگان:** نابرابری منطقه‌ای، تعادل، محرومیت، عدالت توزیعی

۱-نویسنده مسؤول: دانشگاه خوارزمی تهران، طبقه چهارم، دانشکده علوم جغرافیایی ۰۹۱۲۸۸۱۹۲۸۰

#### مقدمه

در جهان امروز، نابرابری‌های منطقه‌ای پدیده‌ای فراگیر و رو به گسترش است (Lees, 2010: 1 & UNDP, 2010). بدین خاطر توجه به برنامه ریزی فضایی به منظور کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل منطقه‌ی مورد توجه فراوان قرار گرفته است. توسعه منطقه‌ی مفهومی جدید در ادبیات برنامه ریزی می‌باشد. که هدف آن خلق چارچوبی مناسب برای دستیابی به یک مفهوم با ثبات در استانداردهای زندگی شهروندان است (Apostolachet, 2014: 36 - Amin Bidokht, 2007: 17). در برنامه ریزی فضایی، میزان توسعه مناطق توسعه نیافته برای دستیابی به توسعه متعدد و برابر ارزیابی می‌شود. بنابراین شناخت صحیح امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به عنوان اولین گام در برنامه ریزی توسعه فضایی، می‌تواند به بهبود خدمات رسانی و افزایش تعادل و برابری بین مناطق کمک نماید. بدین صورت که با شناسایی مناطق بخوردار و هدایت امکانات و خدمات به سمت مناطق محروم، توسعه به صورت هماهنگ و برابر امکان پذیر می‌گردد (Lilian و دیگران، ۱۳۹۰: ۲). مقوله توسعه مشکلات بسیاری از کشورهast، (ضرابی و تبریزی، ۱۳۹۰: ۳) به دلیل اینکه نابرابری منطقه‌ای (فضایی)، به عنوان مانع بر سر راه توسعه متوازن و پایدار عمل می‌کند. که دارای آثار منفی مخصوص به خود است. زیرا، امکان استفاده بهینه فضا را از جامعه سلب می‌کند و موجبات تراکم جغرافیایی فقر (جدایی گزینی) را فراهم می‌سازد. در جهان امروز امکانات و خدمات در سطح مناطق بویژه در شهرها به صورت عادلانه و متوازن پخش نشده‌اند (Fedorov, 2002: 443). نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه های مهم توسعه نیافتگی است چرا که نابرابری‌های منطقه‌ای در تمام اشکال و سطوح آنها می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد (Pacion, 2003: 291). در سطح منطقه، ایجاد تعادل منطقی بین مردم، اشتغال و خدمات یکی از آرمان‌های پستدیده می‌باشد (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵: ۵۴). طی سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها و تصمیم‌گیرندهای در تلاش بوده‌اند که از شدت نابرابری‌های منطقه‌ای بکاهند (Winkler, 2012: 84). یکی از عواملی که در توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد، توسعه خدمات و امکانات به صورت متعدد در مناطق است. یکی از رویکردهای به نظریه عدالت به مثابهً انصاف راولز<sup>1</sup>، عدالت توزیعی<sup>2</sup> می‌باشد، که مبانی آن از اصل دوم عدالت به مثابهً انصاف یعنی اصل تفاوت استنتاج می‌شود. اصل تفاوت نظریه عدالت به مثابهً انصاف، بیان می‌دارد که با توزیع منابع، ثروت و قدرت هنگامی که نابرابری شدید در سطح جامعه به نفع محروم ترین افراد جامعه نباشد لازم و ضروری است (Leigh and Jencks, 2007: 24). عدالت اجتماعی/ توزیعی بیانگر توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که طبق تعریف دارای حقوق برابرند (Wilkinson, 2006: 23). در هر جامعه‌ای چگونگی توزیع درآمد، میزان فقر و ارائه کالاهای عمومی نظیر خدمات بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و ... نشان‌دهنده میزان توجه دولت به عدالت توزیعی است (باباخانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲) اما با وجود پیشرفت‌هایی که محققان در قرن گذشته در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، ... به دست آورده‌اند، در حال حاضر شاهد شکاف‌های مشخص و واضحی در میزان توسعه یافتنی در بین مناطق و عدم تعادل و نابرابری در میزان توسعه امکانات می‌باشیم (Kawachi et al, 2002: 48).

1 -John Rawls

2- distributive Justice

حال توسعه است. در کشور ما نیز نبود تعادل در بین مناطق مختلف<sup>۱</sup> به چشم می‌خورد. بدین صورت که تمرکز اقتصادی در برخی از مناطق کشور مانند تهران و برخی کلان شهرهای منطقه‌ای، توزیع نامتعادلی از رشد را در مناطق مختلف کشور پدید آورده است که به دلیل جذب جمعیت و فعالیت بخش زیادی از منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری و در نتیجه رشد را به خود اختصاص داده اند. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰، ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می‌باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ گزارش شده که نسبت به سال ۹۰ ۲/۵ درصد تغییر داشته است. این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می‌باشد که باعث نابرابری‌ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است. بنابراین تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی، نابرابری در نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر تخصیص منابع و امکانات به مناطق خاص و محروم کردن سایر مناطق از این تسهیلات موجب نابرابری منطقه‌ای می‌شود(Todes,2001:58). مساله‌ای که بازتاب آن را در رشد ناهمگون و نابرابر شهرهای ایران می‌توان مشاهده کرد. بی تردید مهمترین رویکردهای تبیین کننده برخورداری را می‌توان منطبق با برنامه ریزی فضایی و منطقه‌ای قلمداد نمود(Wheeler,2002: 270). برنامه ریزی فضایی گامی مؤثر در افزایش برخورداری مناطق از انواع خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و ... است(Haughton & Counsell,2004). از این رو شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه اولین گام در برنامه ریزی منطقه‌ای است. به طور کلی، هدف از توسعه بهبود شرایط کلی زندگی مردم، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. توزیع نامتعادل این خدمات و امکانات موجب نابرابری‌ها در سطح مناطق کشور می‌شود. این مناطق جاذب اصلی فعالیت و جمعیت بوده و بخش زیادی از رشد اقتصادی، منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده اند. در نتیجه موجب پدید آمدن فقر و بیکاری، نارسایی زیر بنایها و خدمات رسانی، تهدید محیط زیست، تحرکات جمعیتی و... شده است(رفیعیان، ۱۳۹۱: ۲) ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، که براساس آخرین تقسیمات سیاسی دارای ۳۱ استان و با چهار اقلیم متنوع، از نظر برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه دارای نابرابری فضایی<sup>۲</sup> می‌باشد(پریزادی و زنگی آبادی، ۱۳۹۰: ۲). میزان محرومیت در برخی مناطق که وجود اقلیم‌های متنوع همچنین مجموعه‌ای از منابع طبیعی و محیط زیستی از جمله منابع آب و خاک، تنوع زیستی، جنگل‌ها و سیاست‌ها و خط مشی‌های ملی و منطقه‌ای در کشور و در بیشتر مواقع هم در اثر برنامه ریزی‌های نامطلوب و متمرکز، مسائل عمدۀ ای را در روند توسعه نواحی کشور ایجاد کرده است.

سوالی که در این پژوهش به آن پرداخته شده، این است که مناطق مختلف ایران از چه میزان و رتبه‌ای از توسعه برخوردارند؟ و رتبه‌های یک از مناطق در بین سایر استان‌ها چگونه است؟

۱- در این مقاله منطقه به عنوان استان در تقسیمات سیاسی در نظر گرفته شده است.

2 -Spatial inequality

هدف از این پژوهش، تعیین سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور به لحاظ برخورداری از شاخص‌های (اقتصادی، زیربنایی، بهداشتی، درمانی و...) و رتبه بندی براساس توسعه یافتگی و پیشنهادات راهبردی جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در استان‌ها می‌باشد.

تحقیقات زیادی درباره تعیین تفاوت‌های توسعه یافتگی واحدهای جغرافیایی در ایران و سایر کشورها در سال‌های مختلف با استفاده از روش‌های گوناگون صورت گرفته است. برخی مطالعات نیز به تحلیل نابرابری و عدم تعادل منطقه‌ای و شناسایی مناطق محروم و عقب مانده کشور بر اساس ترکیبی از روش‌های تحلیل نابرابری پرداخته‌اند بررسی تجارب جهانی در تحلیل عدم تعادل فضایی و سطح بندی درجه توسعه یافتگی نواحی گوناگون در ایران، راهگشای تفکر صحیح و استفاده از این تجارب در تدوین شاخص‌ها و متغیرهای قابل استفاده در پژوهش حاضر خواهد بود جدول (۱).

جدول (۱): تحقیقات انجام شده بعضی کشورهای خارجی و ایران

مطالعات خارجی			
نتایج	سال مطالعه	نویسنده گان	عنوان تحقیق
به این نتیجه رسیده‌اند که رشد اقتصادی طی این دوره منجر به به کاهش فقر عمومی در کشور شده است.	۲۰۰۷	Al- Hassan	بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور غنا طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰ ساله
نابرابری‌های بین ایالت‌های هند را مورد بررسی قرارداده است	۲۰۰۲	norbakhsh	توسعه انسانی و اختلاف منطقه‌ای در هند
با روش تحلیل عاملی جهت آشکار نمودن نابرابری‌های منطقه‌ای، مناطق کشور پر تقاضا را در مناطق زمانی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ به لحاظ توسعه رتبه بندی نموده‌اند	۲۰۰۱	joe and maria	طبقه بندی مناطق مختلف بلژیک
بر اساس هشت شاخص که بیشترین تأثیر مستقیم را بر زندگی مردم داشته انجام گرفته است. ویلسون در این مطالعه امتیاز نهایی هر بخش را که بین صفر تا صد متغیر بود، از میانگین مجموع هشت شاخص مورد بررسی به دست آورده است.	۲۰۰۱	Wilson	رتبه بندی سکونتگاه‌های گینه پایائو
پریور نیز طی مطالعه‌ای یازده ایالت مالزی باختری را به هفتاد بخش جغرافیایی تقسیم کرده و با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد تحلیل فضایی قرار داده است	۲۰۰۱	Pryor	تحلیل فضایی ایالت‌های مالزی با تحلیل عاملی

مطالعات داخلی

از مجموع ۱۲ شهرستان استان، شهرستان‌های اراک، ساوه، و خمین در رتبه‌های نخست قرار گرفته و شهرستان‌های آشتیان، خنداب و فراهان رتبه‌های آخر را به خود اختصاص دادند.	۱۳۹۶	توكلی نیا و دیگران	تحلیل توسعه منطقه‌ای استان مرکزی با استفاده از تکنیک‌های چند معیاره
با توجه به نتایج بدست آمده دلیل اصلی توسعه یافتگی استان عوامل مدیریتی و فرهنگی می‌باشد.	۱۳۹۵	زالی و سجادی اصل	شناسایی عوامل کلیدی موثر بر توسعه یافتگی منطقه‌ای (کهگیلویه و بویر

			(احمد)
نتایج آن نشان داد که استان کهگیلویه و بویر احمد جز استان‌های بود که دارای کمترین سطح رفاه در کشور بوده‌اند	۱۳۹۴	شهیکی تاش و همکاران	بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای رفاه در استان‌های ایران
وضعیت برخورداری شهرستانهای استان کردستان از شاخصهای مورد بررسی معادل نبوده و عدم توازن نسبیًّا محسوسی در میزان برخورداری از این شاخصها در بین شهرستانهای استان مشاهده می‌گردد	۱۳۹۳	زنگی ابادی و دیگران	تحلیل فضایی شاخصهای توسعه منطقه‌ای با بهره گیری تلفیقی از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه، مورد پژوهش: استان کردستان
در میان شهرستان‌ها از لحاظ توسعه یافتنگی نابرابری‌های آشکار وجود دارد و سطح توسعه بیشتر شهرستان‌های پایین تر از حد متوجه است.	۱۳۹۲	شيخ بیگلو و تقوایی	نابرابری‌های منطقه‌ای و بین منطقه‌ای با روش SAW
سطح توسعه و درجه توسعه یافتنگی استانها در پایان برنامه چهارم توسعه بیشتر از پایان برنامه توسعه شده است.	۱۳۹۲	اطاعت و شجاعی نسب	سنجد شاخصهای توسعه یافتنگی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸
کلان شهر تهران فاقد وحدت کالبدی-اجتماعی بوده و ناهمگونی‌های فضایی بین مناطق شمالی و جنوی آن به عنوان ویژگی اصلی ساختار فضایی شهر تهران همچنان پایه جاست.	۱۳۹۱	رفیعیان و شالی	تحلیل فضایی سطح توسعه یافتنگی تهران به تفکیک مناطق شهری
روش به کار رفته در این تحقیق فراتحلیل بوده است و نتایج آن نشان داد که موانع سیاسی به ویژه استبداد تاریخی و آمادگی ایرانیان در پذیرش استبداد حائز رتبه نخست در میان عوامل متعدد توسعه نیافتنگی در ایران بوده	۱۳۹۱	نقدي و حصاری	علل توسعه نیافتنگی ایران

با توجه به تحقیقات انجام شده، هر کدام از مطالعات با روش و داده‌های خاصی به بررسی و تحلیل نابرابری و توسعه مناطق پرداخته‌اند. این پژوهش از شاخص‌های ترکیبی که به طور گسترشده برای مقایسه عملکرد مناطق مورد توجه قرار می‌گیرند، استفاده کرده است.

### روش تحقیق

قلمرو مورد مطالعه این پژوهش کشور ایران است که بر اساس تقسیمات سیاسی، دارای ۳۱ استان در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. جمعیت ایران در این سال مشتمل بر ۷۵,۱۴۹,۶۶۹ نفر بوده که  $71/4$  درصد از این جمعیت شهرنشین و  $28/5$  درصد روستانشین بوده‌اند. نرخ رشد جمعیت نیز در این دوره  $29/1$  درصد بوده است. در سال ۱۳۹۰ تعداد شهرهای کشور ۱۳۳۱ عدد بوده که ۸ شهر تهران، مشهد، کرج، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز و قم بالای یک میلیون نفر جمعیت داشته‌اند. بیشترین تراکم جمعیت در این سال، در استان‌های تهران با  $10/8$  سهم مساحتی کشور، تراکم جمعیتی  $890$ ، البرز با  $0/3$  سهم مساحتی و تراکم جمعیتی  $471$ ، و کمترین تراکم

در استان سمنان با ۶ درصد سهم مساحتی دارای تراکم جمعیتی ۶ یعنی ۰/۸ درصد جمعیت را دارد(نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰).

پژوهش حاضر بر اساس هدف شناختی و از منظر ماهیت و روش جزء تحقیقات ارزیابی - مقایسه ای است. جامعه آماری تحقیق مشتمل بر ۳۱ استان کشور و شاخص های مورد بررسی ۳۳ شاخص انتخابی که در چهار بعد کلی (اقتصادی، زیربنایی- کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و بهداشتی- درمانی) انتخاب شده است. روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای- اسنادی بوده که از طریق مراجعه به داده های مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۰، اسناد، مقالات و نشریات کشور استخراج شده اند. در این پژوهش از نرم افزار SPSS برای تحلیل های آماری و متغیرهای مورد بررسی با روش تحلیل عاملی، دارای تایید روایی و به صورت ترکیبی در مولفه های معنی دار ارائه شده است. به منظور دستیابی به اعتبار، روایی شاخص ها و معیارهای تحقیق، همبستگی و کنترل صحت و دقت در انتخاب شاخص های سنجش توسعه یافته ای و همچنین جهت کنترل روابط و ساختارها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است برای سطح بندی استان ها نیز روش تحلیل خوشه ای مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل خوشه ای نواحی شهری که بیشترین همانندی را از نظر امتیازهای عاملی دارند، در یک خوشه دسته بندی می کند. انتخاب هر یک از این روش ها بستگی به داده های آماری و هدف برنامه ریزی دارد(حکمت نیا و میرنجد، ۱۳۸۵: ۲۳۷) در نهایت سطوح توسعه یافته ای و مرتب توسعه استان های کشور در دوره های مختلف سرشماری مقایسه و فراز و فرود استان ها کنترل و تحلیل شده اند. کفايت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی از روش آماره KMO و بارتلت نشان داده شده است جدول(۲). مقدار آماره KMO معادل ۰/۷۶۴ محاسبه شده که مبین مناسب بودن حجم داده ها برای تحلیل عاملی و تعیین نتایج آن به جامعه آماری است. نتیجه آزمون بارتلت نیز با سطح معناداری ۰/۰۰۰ sig معنادار بوده و تأیید کننده مناسب بودن داده ها برای استخراج عوامل می باشد عوامل استخراج شده با شاخص های مد نظر تحقیق حاضر بسیار نزدیک و مرتبط بوده است.

جدول (۲) : کفايت حجم نمونه و آزمون بارتلت

کفايت حجم نمونه	۰/۷۶۴
آزمون بارتلت	۵۷۰/۴۴۲
درجه آزادی	۱۷۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

برای رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافته ای استانهای کشور از شاخص های متعددی در قالب چهار بعد و ۳۳ شاخص که از اسناد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ در سطح استان ها انتخاب شده که به شرح زیر می باشند:

- ❖ شاخص‌های عامل اقتصادی: ۱- نسبت هزینه خانوار، ۲- نرخ مشارکت اقتصادی، ۳- تعداد بنگاه‌های اقتصادی به ۱۰۰۰۰ نفر، ۴- تولید سرانه، ۵- تعداد کارگاه صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر، ۶- میزان درآمد، ۷- بهای مصرفی خانوار، ۸- نرخ بیکاری.
- شاخص‌های عامل بهداشت و درمان: ۱- تعداد خانه بهداشت روزتایی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، ۲- تعداد پزشک عمومی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، ۳- تعداد مراکز بهداشتی و درمانی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، ۴- درصد تحت پوشش خدمات درمانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، ۵- تعداد آزمایشگاه نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، ۶- تعداد داروخانه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر
- ❖ شاخص‌های عامل اجتماعی - فرهنگی: ۱- نرخ باسوسادی بزرگسالان مرد، ۲- نسبت جمعیت، ۳- تعداد مراکز فرهنگی، ۴- تعداد کتابخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، ۵- امید به زندگی در بد و تولد، ۶- درصد رشد جمعیت، ۷- میزان مهاجرت برون کوچی، ۸- میزان مهاجرت درون کوچی، ۹- نرخ شهرنشینی، ۱۰- بعد خانوار، ۱۱- نرخ زادو ولد، ۱۲- نرخ مرگ و میر، ۱۳- نرخ ازدواج، ۱۴- تعداد شهر، ۱۵- نرخ طلاق.
- ❖ شاخص‌های عامل کالبدی - زیر بنایی: ۱- تعداد تعاقنی مسکن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، ۲- تعداد تصویه خانه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، ۳- میزان استفاده از ضریب اینترنت، ۴- مساحت زیر بنای واحد مسکونی.

### مبانی نظری تحقیق

توسعه<sup>۱</sup>، پدیده جدیدی نیست بلکه با انسان زاده می‌شود و همراه با تکامل زندگی اجتماعی انسان رشد کرده و هرگز از آن جدا نبوده است. از این رو باید تکامل و توسعه را در تعالی جامعه انسانی جستجو کرد و همراه با این تعالی ابعاد جدیدی برای آن درنظر گرفت. در یک نگاه کلی می‌توان اذعان داشت که توسعه کوششی آگاهانه، نهادینه شده و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جامعه، پدیده منحصر به فرد قرن بیستم است (ضرابی و تبریزی، ۱۳۸۹: ۳). توسعه فرآیندی چند بعدی است که سازماندهی مجدد و جهت دهی اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی را شامل می‌گردد. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمانها، جوامع و مدیریت‌ها است (Streeten, 1999: 56). یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است. افزایش تولید، دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرستهای شغلی مناسب، بکارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه گذاری و مصرف در یک کشور یا منطقه را شامل می‌گردد (احمدیان و زنگی آبادی و کریمی، ۱۳۹۳: ۴). جان راولز از بزرگترین فلاسفه سیاسی در حوزه عدالت اجتماعی و شهید مرتضی مطهری از بزرگترین متفکرین اسلام شناس در این زمینه می‌باشد. از دیدگاه جان راولز در عدالت اجتماعی دو نگرش متفاوت وجود دارد. در نگرش اول با نگاهی محدود، تنها به عدالت اقتصادی توجه شده و جنبه‌های دیگر عدالت به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ اما در نگرش دوم با نگاهی وسیعتر به سایر شئونات اجتماعی عدالت نیز بها داده می‌شود. راولز مهمترین متفکری است که با نگرش دوم، نظریه عدالت را مبتنی بر ساختارهای اساسی جامعه مطرح نموده است. هدف ایده آل راولز،

تحقیق جامعه ای موزون و متعادل است. جامعه ای که در آن سهم هر یک از افراد از خیر و منفعت به واسطه نهادینه شدن مفهوم عدالت مبتنی بر آزادی های برابر، توزیع می گردد (راولز، ۱۳۸۳: ۸۴). پیشینه تاریخی واژه توسعه به سال های پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد که در آغاز برس حسب رشد اقتصادی تعریف می شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناچالص داخلی، درآمد سرانه و مانند آن نشانه توسعه یافتگی جوامع به شمار می آمد (صرافی، ۱۳۸۷: ۷). مایکل تودارو<sup>۱</sup> توسعه را جریان چند بعدی می دارد که در آن مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور مورد توجه قرار می گیرد. توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، مخصوص تغییرات در ساخت های نهادی و اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است (آسایش، ۱۳۸۳: ۹). چند دهه ای است که مفهوم توسعه با اصطلاح برنامه ریزی پیوند تنگاتنگی پیدا کرده و به عنوان هدف کلان برنامه ریزی در حوزه عمومی در دنیا پذیرفته شده است (توكلی نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۲). نابرابری منطقه ای، توزیع نابرابر فرصت های اجتماعی و اقتصادی در مناطق کشور است. نابرابری منطقه ای در هر جامعه ای می تواند جلوه های مختلفی داشته باشد. به لحاظ نظری پنج رویکرد کلی را می توان در رابطه با نابرابری منطقه ای (فضایی) از هم تمیز داد. رویکرد نهائیون<sup>۲</sup> که مبتنی بر اصول نیوکلاسیک تعادل اقتصادی است، بر اهمیت تخصیص منابع از طریق بازار تأکید دارد. که با توسعه اقتصادی و بازارهای مختلف، نابرابری منطقه ای نیز کاهش می یابد. (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۰۱) رویکرد نهاد گرایان<sup>۳</sup> نابرابری فضایی را ناشی از عملکرد بازار سرمایه داری می دارد. رویکرد سوم انتشاریون<sup>۴</sup> است که معتقد به انتشار فضایی رشد است که این می تواند خالق نوآواری ها در اقتصاد فضا باشد. رویکرد چهارم، رویکرد رادیکال است. در این رویکرد سه دیدگاه (مارکسیستی، وابستگی و دیدگاه مبادله نابرابر) وجود دارند که هر کدام نابرابری فضایی را ناشی از عوامل مختلفی می دانند. رویکرد پنجم به نظریه تفکیک نابرابر پل کولومی (۱۹۸۵) تعلق دارد. این رویکرد روند عمده تغییرات اجتماعی را تفکیک ساختاری می داند (نظم فرو دیگران، ۱۳۹۴: ۶). اغلب نظریه هایی که در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح شده، توسعه را دستیابی میزان بالاتری از نرخ رشد اقتصادی معرفی کرده اند (Todaro, 1990: 17). اما با انتقاد از این نظریه ها در دهه ۱۹۷۰، مفهوم توسعه به کاهش یا از میان رفتن فقر، بیکاری، نابرابری و تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش پیدا کرد. در مبانی جدید توسعه، راه ورود انسان و جنبه های زندگی وی در نظر گرفته شد و به این نتیجه رسیدند که محتوى اصلی آن تأمین نیازهای اساسی، بهبود بخشیدن به شرایط زیستی افراد و جامعه است (زیاری، ۱۳۸۰: ۹۴). طرح مفهوم قطب رشد توسط فرانسو پرو<sup>۵</sup> برای نخستین بار در دهه ۵۰ و بسط این مفهوم در دهه های ۵۰ و ۶۰ توسط میرadal<sup>۶</sup> اقتصاددان سوئی، آبرت هیرشمن<sup>۷</sup> اقتصاددان آلمانی و رائل پربیش<sup>۸</sup>، اقتصاددان آرژانتینی، همراه با

1 - Michael Todaro

2 -Marginalist Approach

3 - Institutionalist Approach

4 - Diffusionnist

5-Francois Perroux

6- myrdal

7- Hirschman

8- Raul Prebisch

سایر نظریه‌های پردازان توسعه بیانگر تلاش به منظور کاهش فاصله بین مناطق و رشد نواحی عقب مانده بوده است (توكلی نیا، ۱۳۹۱: ۳). نگرشی به نظریه‌های رشد و توسعه منطقه‌ای نشان می‌دهد، داشمندان اقتصاد روی یک نظریه مشخص رشد ناحیه‌ای – چه در سطح بین‌المللی و چه در محدوده مرزهای کشور- هم رأی نیستند. نظریه‌های ارائه شده درباره دستیابی به توسعه را می‌توان به دو گروه عمده، نظریه رشد نامتعادل و نظریه رشد متعادل تقسیم کرد: (الف) پرو<sup>۱</sup>، هیرشمن<sup>۲</sup>، سینگر<sup>۳</sup> و رستو از پیروان دکترین رشد نامتعادل هستند که در آن، نظریه قطب رشد متجلی می‌شود. نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش؛ بدین صورت که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه رخ می‌دهد که از قدرت جاذبۀ بالایی برخوردارند (اثرات تمرکز) این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی پخش می‌کند که کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اثرپخش) طرفداران نظریه قطب رشد معتقدند که گسترش شهرها منجر به توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها می‌گردد و در نتیجه باید به دنبال گسترش و رشد صنایع در شهرهای بزرگ بود. (ب) میردال، هاریسن<sup>۴</sup> و میسرا معتقد هستند که تغوری قطب رشد نتوانسته است نابرابری و عقب ماندگی بین مناطق مختلف را در کشورهای توسعه نیافته از بین ببرد بلکه باعث تشدید نابرابری منطقه‌ای شده است و لذا الگوی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته نمی‌باشد (محمدی و عبدالی و بیرانوند، ۱۳۹۱: ۷) بر اساس نظریه مرکز- پیرامون، نظام فضایی کشور به دو زیر نظام یعنی یکی مرکز و دیگری پیرامون تقسیم می‌شود. پایه و اساس نظریه مرکز- پیرامون بر مبنای این واقعیت شکل گرفت که مناطق مرزی در پیرامون کشورها مکان گزینی شده اند (Erkut and Ozegen, 2003:28) فریدمن<sup>۵</sup> ابطه بین این دو نظام را رابطه‌ای استعماری دانسته که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامون به دنبال دارد. مرکز به عنوان محل تمرکز اطلاعات، نوآوری، تخصص و جایگاه مناسبی برای رخداد توسعه است. همچنین مرکز بیشترین پیشرفت خود را از طریق تسلط و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی به دست می‌آورد. در نهایت توزیع فضایی سیستم سکونتگاهی به طور قوی به وسیله کارآیی نظریه مکان مرکزی دیکته می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۳۶) امروزه نظریه پردازان ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح را برای رسیدن به توسعه متوازن مطرح می‌کنند و معتقدند که توسعه متعادل برآن است که بهترین شرایط و امکانات را برای پیشرفت جوامع و همه جانبه فراهم آورد، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل برساند و در نهایت از بین ببرد (Bhatia, 2004) در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگیهای نواحی مختلف و نابرابری آنها، در هر برنامه ریزی اساس کار محسوب می‌شود، زیرا در این کشورها هدف نهایی از تحلیل سیستم ناحیه‌ای توزیع مطلوب جمعیت و امکانات در سطح ناحیه‌ای است. به عبارت دیگر تحلیل سیستم‌های ناحیه‌ای باید کارایی و بازدهی فعالیتهای اقتصادی را در همه زوایا به همراه عدالت اجتماعی در توزیع امکانات افزایش داده و به صورت

1 - Frcanois Perroux

2- Hirschman

3 -Singer

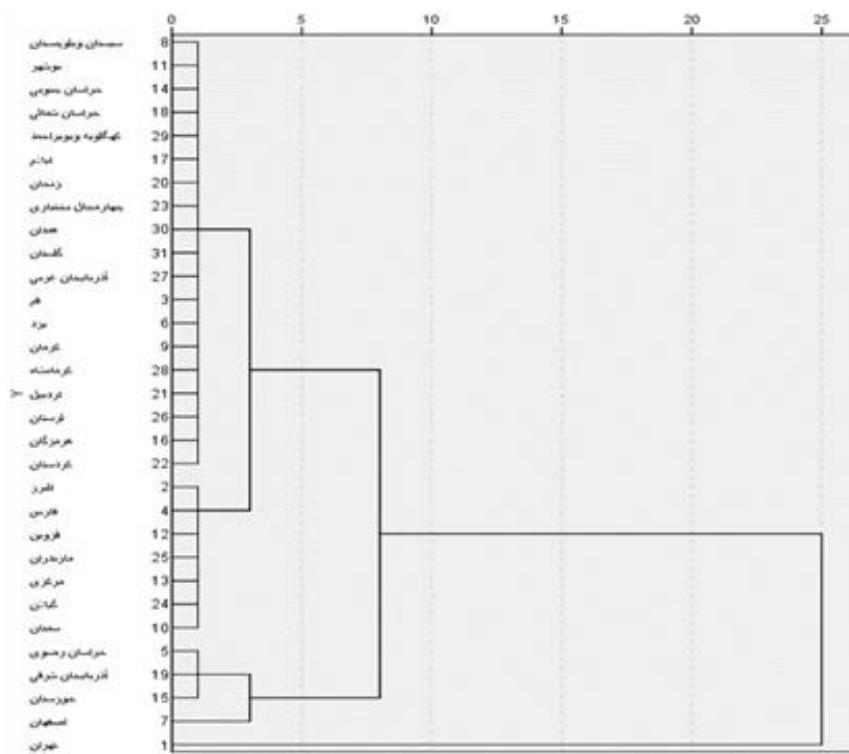
4 -Harrison

5- Friedman

محرك فعالیت های اقتصادی و اجتماعی عمل کند(بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷۹). با توجه به مسائل و ایرادات مطرح شده در مورد شاخص درآمد سرانه، به خصوص از دهه ۶۰ به بعد، شاخص های ترکیبی مطرح گردید. از جمله شاخص های فقر انسانی، توسعه انسانی(HDI)، ترکیبی توسعه اجتماعی توسط برنامه تحقیقات توسعه سازمان ملل و شاخص کیفیت فیزیکی زندگی توسط موریس ارائه گردید. که هر کدام از شاخص های ترکیبی از جند شاخص جزئی تشکیل می شود. در یک شاخص ترکیبی دیگر، مارتیک و ساویک<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) برای رتبه بندی مناطق مختلف، با توجه به توسعه اقتصادی - اجتماعی(SEDI) شاخص های زمین قابل کشت، دارایی ثابت فعال، مصرف برق و جمعیت را در نظر گرفته اند(آهنگری و سعادت مهر، ۱۳۸۶: ۵).

## نتایج

در این مطالعه پس از بررسی و مقایسه روش های متفاوت در نرم افزار spss، روشن ward و معیار فاصله اقلیدسی برای انجام مطالعات انتخاب شد که شکل (۱) دندوگرام حاصل از این روش را نشان می دهد.



شکل (۱): نمودار تحلیل خوشه ای سلسله مراقب توسعه استانهای کشور ۱۳۹۰

با توجه به شکل (۱) استان های کشور در شرایطی ناهمگن و نامتوازنی قرار گرفته اند. بر اساس این نتایج استانهای تهران و اصفهان به ترتیب در رتبه های اول و دوم و استان های خراسان جنوبی، بوشهر و سیستان و

1- Martic and Savie

بلوچستان در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، این سطح بندی نشان می‌دهد که استان‌هایی که در انتهای این فهرست قرار گرفته‌اند از محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و غیره رو به رو هستند. مشاهده عام وضع موجود گویای آنست که عدم عدالت فضائی<sup>۱</sup> در کشور به وضوح به چشم می‌خورد. باید توجه داشت هنگامی که از "فضا" سخن می‌گوییم، تنها فضای کالبدی (فیزیکی) که مرئی و ملموس است نیست. بلکه فضایی است که به سبب دخالت انسان پیوسته در تحول و تغییر است و تنها در رابطه با انسان و جامعه معنا دارد. رتبه بندی استان‌ها بر حسب کل شاخص‌ها نشان می‌دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه توسعه یافته‌گی را دارا می‌باشند. تمرکز اقتصادی در برخی از مناطق کشور مانند تهران و برخی کلان شهرهای منطقه‌ای، توزیع نامتعادلی از رشد را در مناطق مختلف کشور پدید آورده است که به دلیل جذب جمعیت و فعالیت بخش زیادی از منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری و در نتیجه رشد را به خود اختصاص داده‌اند. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰ که ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می‌باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ درصد گزارش شده که نسبت به سال ۹۰، ۲/۵ درصد تغییر داشته است. که همه این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می‌باشد که باعث نابرابری‌ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است.

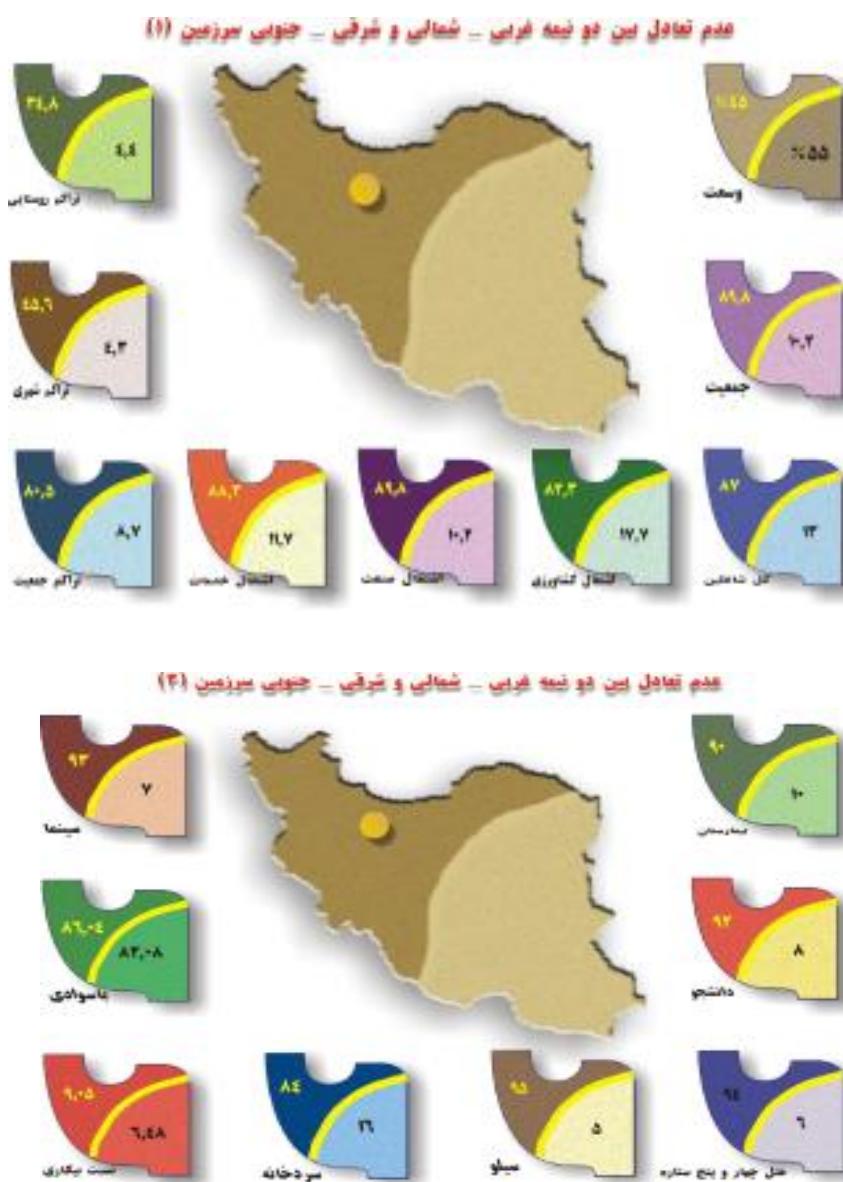
جدول (۳) : وضعیت استان‌ها در گروه‌های مختلف از نظر برخورداری از شاخص‌ها

تعداد	استان	وضعیت	خواهش
۱	تهران	توسعه یافته	۱
۴	اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی	نسبتاً توسعه یافته	۲
۷	سمنان، گیلان، مرکزی، مازندران، قزوین، فارس، البرز	کمتر توسعه یافته	۳
۱۹	کردستان، هرمزگان، لرستان، اردبیل، کرمانشاه، کرمان، یزد، قم، آذربایجان غربی، گلستان، همدان، چهارمحال بختیاری، زنجان، ایلام، کهگلويه و بويراحمد، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، بوشهر، سیستان و بلوچستان	توسعه نیافته و محروم	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵.

همانطور که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، عدم تعادل و نابرابری در مناطق مختلف کشور (غربی - شمالی و شرقی - جنوبی) بین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... دیده می‌شود. با توجه به اشکالی که در پایین آورده شده، نیمه غربی - شمالی کشور دارای درصد بیشتری از عوامل را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که در نیمه شرقی - جنوبی درصد این عوامل نسبت به نیمه بالایی از درصد کمتری برخوردارند.

بدین ترتیب تراکم اکثر عوامل(جمعیت، اشتغال، صنعت، دانشجو، باسودای و ...) در مناطق نیمه غربی - شمالی کشور تجمع دارند. که نشانه نابرابری و عدم تعادل در بین مناطق را به وضوح نشان می دهد.



شکل (۲) : نابرابری در مناطق مختلف کشور(ماخذ: صرافی، ۱۳۹۴: ۱۳۹۲)

سطح توسعه یافته‌گی استانهای کشور از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آن‌ها در طول زمان، نابرابری‌های منطقه‌ای را در ایران نشان می‌دهد. نابرابری‌های بین منطقه‌ای از نمادهای آشکار کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌هاست با توجه به جدول<sup>(۴)</sup> بجز استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، کرمانشاه، خراسان و فارس، سایر استان‌ها در سطوح مربوط به خود در همان رتبه و گروه قرار داشته‌اند. توزیع جغرافیایی شاخص‌های توسعه، ناهمگونی‌های فضایی بین استانهای کشور را اثبات می‌کند. که این ناهمگونی فضایی در سطح استانها از نظر شاخص‌های مورد بررسی دیده می‌شود. الگوی حاکم بر سازمان فضایی<sup>۱</sup>کشور، حاکی از وجود الگوی مرکز-پیرامون در توسعه منطقه‌ای است. بر طبق این الگو مرکز از طریق جذب فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امکانات، ثروت و نیروی کار متخصص از نواحی پیرامون، توسعه و گسترش فراوانی یافته است. و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفیدی را بر توسعه نواحی پیرامونی خود از لحاظ توسعه نداشته و چه بسا بر محرومیت<sup>۲</sup> آنها افزوده است. به طوری که کلیه استان‌های توسعه نیافرته و محروم در نواحی حاشیه‌ای<sup>۳</sup>، مرزی و مناطق کوهستانی واقع شده‌اند. این نابرابری‌ها بازتاب بی‌توجهی به مدیریت واحد سرزمینی و عدم هماهنگی سازمان‌های متولی در امر توسعه فضایی می‌باشد. همچنین بین سطوح توسعه‌یافته‌گی استان‌های مرکزی و مرزی کشور عدم تجانس‌های شدیدی وجود دارد، به طوری که استان‌های مرکزی بسیار توسعه‌یافته‌تر از استان‌های مرزی هستند. رتبه بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های توسعه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۳۱ استان یک استان توسعه یافته، چهار استان نسبتاً توسعه یافته، هفت استان کمتر توسعه یافته و ۱۹ استان در گروه توسعه نیافرته و محروم قرار دارند جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آن‌ها در طول زمان نیز نابرابری‌های منطقه‌ای و تشدید آن را در ایران نشان می‌دهد جدول<sup>(۴)</sup>. در فاصله ۸۵-۱۳۴۵، استان‌های یزد و مازندران از سطح توسعه میانی به سطح نسبتاً توسعه یافته تغییر سطح داده‌اند. ولی استان‌های آذربایجان غربی، بوشهر، همدان و کرمانشاه از گروه توسعه‌ی میانی به سطح استان‌های توسعه نیافرته تنزل یافته‌اند. همچنین جایگاه استان‌های فارس و خوزستان و خراسان در سلسله مراتب استانی از سطح نسبتاً توسعه یافته به سطح توسعه میانی افت داشته است. هیچکدام از استان‌های توسعه نیافرته نتوانسته‌اند به ترقی و صعود در سطوح بالای سلسله مراتب دست یابند. همانطور که مشاهده می‌شود استان مرکزی تا سال ۱۳۵۵ در رتبه اول قرار دارد که به دلیل تقسیمات سیاسی ۱۳۳۹ بود که بخش بزرگی از استان مرکزی فعلی در استان مرکزی آن زمان به مرکزیت شهر تهران قرار داده شد. ولی بعداً همانطور که مشاهده می‌شود در سالهای ۱۳۷۹ و ۸۵ رتبه خود را از دست داده بطری که در سال ۱۳۹۰ در گروه استان‌های کمتر توسعه یافته قرار گرفته است. استان فارس که در سالهای ۱۳۴۵-۷۹ در گروه استان‌های نسبتاً توسعه یافته قرارداشته ولی رتبه استان‌ها را افت کرده که در سال ۹۰ در گروه استان‌های کمتر توسعه یافته جا گرفته است. استان آذربایجان غربی که از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ رصد شده، نشان دهنده کاهش رتبه توسعه یافتنگی این استان بین استان‌های کشور است بطوری که از گروه استان‌های کمتر توسعه یافته در سال ۱۳۴۵ به گروه استان‌های توسعه نیافرته در سال ۱۳۹۰ تقلیل

1-Space Agency

2 - deprived

3 -Margin

یافته است. استان لرستان نیز مانند موارد قبلی اگر چه رتبه های متفاوتی را در هر سال به خود گرفته ولی این جابجایی و تحرک در گروه خود یعنی بین استان های توسعه نیافته بوده و در طول سال های ۴۵ تا ۹۰ همچنان در جزو استان های توسعه نیافته باقی مانده است. که این مسائل استان های دیگر را هم شامل می شود. نکته حایز اهمیت، عدم تعادل و نابرابری استان ها در هر یک از عوامل است. به عبارت دیگر، توسعه نه تنها بین مناطق بلکه بین بخش های مختلف نیز به طور یکنواخت و هماهنگ صورت نگرفته است. استان هایی که عمدتاً واقع در مرکز و شمال و شمال شرق کشور هستند، در سطح توسعه یافته قرار دارند. در حالی که استان هایی که در پیرامون یا نوار مرزی کشور واقع شده اند، توسعه نیافته و محروم هستند. به این صورت که، ۱- نابرابری منطقه ای در کشور بین مناطق وجود دارد، به گونه ای که تهران به عنوان توسعه یافته ترین استان و استان سیستان و بلوچستان به عنوان توسعه نیافته ترین استان کشور طی این دوره جایگاه خود را حفظ کرده اند. ۲- تعداد استان های توسعه نیافته نسبت به دوره قبل کمتر نشده است.<sup>۳</sup>- اهمیت استان تهران به عنوان مقصد مهاجرت همچنان در حال افزایش است. با توجه به تمرکز امکانات و مزایا در این استان و محرومیت سایر مناطق نسبت به آن، می توان روند افزایش مهاجرت به پایتخت و سایر کلان شهرها را در آینده نیز پیش بینی کرد. این نابرابری ها بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، به ویژه نارسایی های نظام برنامه ریزی، بی توجهی به مدیریت واحد سرزیمنی و عدم هماهنگی سازمان های متولی در امر توسعه فضایی<sup>۱</sup> می باشد. استان های عدم برخوردار به دلیل محرومیت بیشتر و سطح پایین توسعه، نیازمند توجه ویژه در خصوص شاخص های مختلف توسعه هستند. از این رو تقویت توان استان های محروم و حاشیه ای برای حصول تعادل منطقه ای ضروری است. جامعه ای که دارای گروه های قومی متنوعی است در مقایسه با جامعه ای که از تنوع قومی برخوردار نیست، به شیوه تدوین برنامه متفاوتی نیاز دارد. لذا اگر برنامه های توسعه به صورت مناسب و صحیح تدوین شوند، عامل همگرایی اجتماعی و فرهنگی گروه های قومی جامعه خواهند بود.

جدول (۴) : سطح بندی استان های کشور طی سال های ۹۰-۴۵

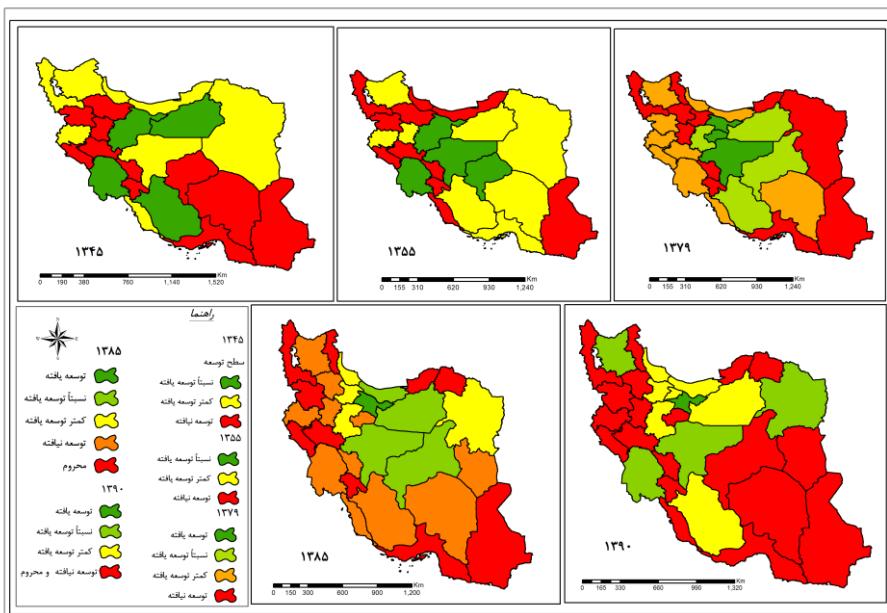
## توسعه منطقه‌ی در ایران با رویکرد عدالت توزیعی

۱۹۳

میزان توسعه	بژوهش حاضر ۱۴۰	استانها	رتبه	میزان توسعه	استانها	رتبه	میزان توسعه	بژوهش	میزان توسعه	استانها	رتبه	میزان توسعه
توسعه یافته	تهران	۱	توسعه یافته	تهران	۲	توسعه یافته	تهران	۳	توسعه یافته	اصفهان	۴	توسعه یافته
نسبتاً توسعه یافته	اصفهان	۵	نسبتاً توسعه یافته	اصفهان	۶	نسبتاً توسعه یافته	اصفهان	۷	نسبتاً توسعه متوسط	گیلان	۸	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	بزد	۸	نسبتاً توسعه متوسط	بزد	۹	نسبتاً توسعه متوسط	بزد	۱۰	نسبتاً توسعه متوسط	قزوین	۱۱	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	مازندران	۱۱	نسبتاً توسعه متوسط	مازندران	۱۲	نسبتاً توسعه متوسط	مازندران	۱۳	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان شرقی	۱۴	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	خراسان رضوی	۱۲	نسبتاً توسعه متوسط	خراسان رضوی	۱۳	نسبتاً توسعه متوسط	خراسان رضوی	۱۴	نسبتاً توسعه متوسط	هرمزگان	۱۵	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	گیلان	۱۳	نسبتاً توسعه متوسط	گیلان	۱۴	نسبتاً توسعه متوسط	گیلان	۱۵	نسبتاً توسعه متوسط	لرستان	۱۶	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	آذربایجان شرقی	۱۴	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان شرقی	۱۵	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان شرقی	۱۶	نسبتاً توسعه متوسط	اردبیل	۱۷	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	کرمانشاه	۱۵	نسبتاً توسعه متوسط	کرمانشاه	۱۶	نسبتاً توسعه متوسط	کرمانشاه	۱۷	نسبتاً توسعه متوسط	کرمان	۱۸	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	کرمان	۱۶	نسبتاً توسعه متوسط	کرمان	۱۷	نسبتاً توسعه متوسط	کرمان	۱۸	نسبتاً توسعه متوسط	بزد	۱۹	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	قم	۱۷	نسبتاً توسعه متوسط	قم	۱۸	نسبتاً توسعه متوسط	قم	۱۹	نسبتاً توسعه متوسط	زنجان	۲۰	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	آذربایجان غربی	۱۸	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان غربی	۱۹	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان غربی	۲۰	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان غربی	۲۱	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	هرمزگان	۱۹	نسبتاً توسعه متوسط	هرمزگان	۲۰	نسبتاً توسعه متوسط	هرمزگان	۲۱	نسبتاً توسعه متوسط	گلستان	۲۲	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	لرستان	۲۰	نسبتاً توسعه متوسط	لرستان	۲۱	نسبتاً توسعه متوسط	لرستان	۲۲	نسبتاً توسعه متوسط	همدان	۲۳	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	اردبیل	۲۱	نسبتاً توسعه متوسط	اردبیل	۲۲	نسبتاً توسعه متوسط	اردبیل	۲۳	نسبتاً توسعه متوسط	چهارمحال و بختیاری	۲۴	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	کرمانشاه	۲۲	نسبتاً توسعه متوسط	کرمانشاه	۲۳	نسبتاً توسعه متوسط	کرمانشاه	۲۴	نسبتاً توسعه متوسط	زنجان	۲۵	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	کرمان	۲۳	نسبتاً توسعه متوسط	کرمان	۲۴	نسبتاً توسعه متوسط	کرمان	۲۵	نسبتاً توسعه متوسط	ایلام	۲۶	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	بزد	۲۴	نسبتاً توسعه متوسط	بزد	۲۵	نسبتاً توسعه متوسط	بزد	۲۶	نسبتاً توسعه متوسط	کهگلوبه بویراحمد	۲۷	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	قم	۲۵	نسبتاً توسعه متوسط	قم	۲۶	نسبتاً توسعه متوسط	قم	۲۷	نسبتاً توسعه متوسط	خراسان شمالی	۲۸	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	آذربایجان غربی	۲۶	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان غربی	۲۷	نسبتاً توسعه متوسط	آذربایجان غربی	۲۸	نسبتاً توسعه متوسط	خراسان جنوبی	۲۹	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	هرمزگان	۲۷	نسبتاً توسعه متوسط	هرمزگان	۲۸	نسبتاً توسعه متوسط	هرمزگان	۲۹	نسبتاً توسعه متوسط	بوشهر	۳۰	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	لرستان	۲۸	نسبتاً توسعه متوسط	لرستان	۲۹	نسبتاً توسعه متوسط	لرستان	۳۰	نسبتاً توسعه متوسط	سیستان و بلوچستان	۳۱	نسبتاً توسعه متوسط
نسبتاً توسعه یافته	اردبیل	۲۹	نسبتاً توسعه متوسط	اردبیل	۳۰	نسبتاً توسعه متوسط	اردبیل	۳۱	نسبتاً توسعه متوسط	سیستان و بلوچستان		
نسبتاً توسعه یافته	کهگلوبه و بویراحمد		محروم	کهگلوبه و بویراحمد		محروم	کهگلوبه و بویراحمد		محروم	کهگلوبه و بویراحمد		
نسبتاً توسعه یافته	خراسان شمالی		محروم	خراسان شمالی		محروم	خراسان شمالی		محروم	خراسان شمالی		
نسبتاً توسعه یافته	سیستان و بلوچستان		محروم	سیستان و بلوچستان		محروم	سیستان و بلوچستان		محروم	سیستان و بلوچستان		

به لحاظ تاریخی گروههای قومی متفاوت فارس، ترکمن، گُرد، ترک، بلوج، لُر، عرب و ... در ایران استقرار یافته‌اند که با کشورهای همسایه رابطه تاریخی، قومی و فرهنگی دارند. وضعیت موجود گروههای قومی در ایران بیانگر معضلات و مشکلاتی در مناطق قومی است. به طوری که توجه بیشتر به شهرهای بزرگ در مناطق

مرکزی و مغفول ماندن نواحی مرزی، موجب نابرابری در دستیابی به امکانات و فرصت‌ها میان مناطق قومی و توسعه نامنوازن و محرومیت آنها شده است. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰ که ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته، این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می‌باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ گزارش شده که نسبت به سال ۹۰ ۲/۵ درصد تغییر داشته است. که همه این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می‌باشد. که باعث نابرابری‌ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده، که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است.



شکل (۳) : پراکنش فضایی سطوح توسعه منطقه‌ای در ایران سال ۴۵ تا ۱۳۹۰

با توجه به شکل (۳)، توسعه مناطق در کشور تقریباً تمايل به مرکز دارد و اکثر استان‌های توسعه یافته در مرکز کشور قرار دارند. غیر از سال‌های ۴۵ و ۵۵ که تهران جزو استان مرکزی بوده، در دوره‌های بعدی که پایتخت کشور بوده جزو توسعه یافته ترین استان محسوب می‌شود. در دوره ۸۵ توسعه به مناطق پیرامونی نیز رسوخ کرده است ولی همچنان تمرکز این توسعه در مرکز کشور قرار دارد و استان‌های توسعه یافته اکثراً در مرکز، شمال، و تقریباً شمال شرق کشور قرار گرفته‌اند. دلیل توسعه استان‌های مذکور، نزدیکی آنها به پایتخت و دسترسی به راه آهن سراسری شمال-جنوب است. این در حالی که استان‌های جنوبی همچنان در توسعه نیافتگی قرار دارند. این مناطق به علت دوری از مرکز و تمرکز بخش قابل ملاحظه‌ای از اقلیت‌های قومی - مذهبی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. استان‌های با توسعه متوسط در نوار مرزی جنوب، جنوب غرب و شمال غرب کشور تمرکز یافته‌اند.

#### نتیجه گیری و پیشنهادات

عدالت فضایی، توزیع عادلانه فضایی منابع محدود و فرصت استفاده از آن‌ها است. بنابراین عدالت بدین معنی نیست که پراکندگی جمعیت و فعالیت در کشور همگون باشد، اما باید نیازهای پایه مردم مناطق کشور برآورده شود. برقراری عدالت یعنی، فرصت منصفانه در دسترسی به امکانات برآمده از منابع ملی که در نقطه آغازین جزو شرایط پایه و هدفی منصفانه است. هرچند در صورت نیاز برای تأمین نیازهای پایه باید با تخصیص منابع عمومی، نابرابری در نقطه پایان را کاهش داد. امروزه، هرچند تلاش عمومی برنامه ریزی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در پی کاهش نابرابری‌ها است، اما متأسفانه حرکت تاریخی توسعه، به رغم افزایش ثروت، همواره به سوی گسترش نابرابری‌ها بوده است. نتایج این پژوهش و ارزیابی توسعه منطقه‌ای بر حسب شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در کشور ایران نیز عدم تعادل‌های منطقه‌ای با گذشت چند دهه از سابقه‌ی برنامه ریزی در کشور، هنوز وجود دارد. بدین صورت که بعضی مناطق کشور بخصوص مناطق جنوبی و شرقی کشور همچنان در توسعه نیافتگی و عدم برخورداری از امکانات و خدمات توسعه قرار دارند. رتبه بندی استان‌ها بر حسب شاخص‌های منتخب نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۳۱ استان، یک استان توسعه یافته، چهار استان نسبتاً توسعه یافته، هفت استان کمتر توسعه یافته و ۱۹ استان توسعه نیافتگی و محروم می‌باشند. مقایسه سطوح توسعه یافته‌استان‌های کشور، براساس مطالعات انجام گرفته توسط محققین، حکایت از این دارد که طی سال‌های گذشته، تغییرات زیادی در سطح توسعه مناطق کشور ایجاد نشده و برخی از مناطق همچنان در محرومیت قرار دارند. با توجه به نقشه‌های تهیه شده از نتایج تحقیقاتی که در سال‌های قبل انجام شده، در سال ۱۳۴۵ استان‌های مرکزی، فارس، خوزستان، سمنان به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را در گروه نسبتاً توسعه یافته قرار دارند. در سال ۱۳۵۵ مرکزی، اصفهان، یزد و خوزستان به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده اند که استان یزد از گروه توسعه نیافتگی در سال ۴۵ به رتبه سوم ارتقاء پیدا کرده است. از سال ۷۹ به بعد با جدا شدن تهران از استان مرکزی، به عنوان توسعه یافته ترین استان در رتبه اول قرار گرفته است. در سال ۸۵ توسعه کاملاً در مرکز کشور متتمرکز بوده که در سال ۹۰ به اطراف نیز رسوخ پیدا کرده است. بررسی و تحلیل نتایج تحقیق، توسعه نیافتگی مناطق کشور را ناشی از توجه به مرکز و کمبود شاخص‌های توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) در مناطق پیرامونی دارد. بدین صورت که تمام امکانات و خدمات و تجهیزات کشور و حتی جمعیت در مناطق مرکزی کشور تجمع کرده و بیشتر خدمات و امکانات کشور را در اختیار دارند. با توجه به نتایج بدست آمده استان‌های جنوبی در همه دوره‌ها جزو استان‌های توسعه نیافتگی و محروم قرار گرفته اند که نشان از عدم توجه به این مناطق است. بنابراین نظام برنامه ریزی باید توجه خود را به برنامه ریزی از پایین قرار بدهد تا مناطق محروم و توسعه نیافتگی نیز در مسیر توسعه و پیشرفت قرار بگیرند.

جدول (۵) : رتبه بندی اهمیت موانع توسعه منطقه ای

رتبه	موانع توسعه منطقه ای
۱	توجه زیاد به مرکز و پایتحت محوری کشور و تمراز گرایی
۳	برنامه ریزی بالا به پایین مناطق و نگرش بخشی در برنامه ریزی ها
۲	عدم توجه به مناطق مرزی و تجهیز امکانات به دلایل امنیتی
۳	عدم توجه به مناسبت تجهیزات ارائه شده با محیط منطقه
۱	نبود برنامه های آمایشی یکپارچه و بکار نبستن آن

با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر جهت رفع و یا کاهش نابرابری بین استان های کشور و تعیین اوابیت ها با توجه به نتایج پژوهش در برنامه ریزی ها ای منطقه ای مورد نظر باید مورد توجه قرار گیرد.

- تقویت مناطق محروم و ارائه خدمات و امکانات به آنها

- انجام صحیح برنامه ریزی ها در سطح مناطق و از پایین به بالا

- توجه به محیط جغرافیایی و منابع مناطق در ارائه امکانات

- عدم پایتحت محوری و توجه بیش از حد به مرکز

- توجه به مناطق مرزی و استفاده از منابع این مناطق در راستای توسعه مناطق و کشور

- تقویت مناطق جنوبی و محروم و ارائه زیر ساخت های بهداشتی، آموزشی و ...

#### منابع

- آسایش، حسین.(۱۳۸۳). اصول و روش های برنامه ریزی روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- آهنگری، عبدالمجید؛ سعادت مهر، مسعود.(۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتنی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای اقتصادی و اجتماعی، مجله دانش و توسعه،(۲۱).
- احمدیان، مهدی؛ زنگی آبادی، علی؛ کرمی، محمد.(۱۳۹۳). تحلیل فضایی شاخص های توسعه منطقه ای با بهره گیری تلفیقی از تکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه مورد پژوهش : استان کردستان، فصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری،(۵)،۱.
- بابا خانی، محمد؛ قاسمی، رامین؛ رفیعی، حسن؛ راغفر، حسین؛ بیگلریان، حسن. (۱۳۹۰). رابطه عدالت توزیعی و سلامت در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- بحرینی، سیدحسین.(۱۳۷۸). تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پریزادی، طاهر؛ زنگی آبادی، علی. (۱۳۹۰). سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتنی نواحی روستایی استان کردستان با استفاده از مدل تحلیل خوشه ای، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری،(۳)،۷.
- پوراصغر سنگاچین؛ فرزام، صالحی، اسماعیل؛ دیناروندی، مرتضی.(۱۳۹۲). مقایسه روش های سنجش توسعه پایدار منطقه ای با استفاده از شاخص های ترکیبی استان های کشور ایران، پژوهش های محیط زیست،(۴)،۷.

- توكلی نیا، جمیله؛ شالی، محمد. (۱۳۹۱). نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، فصل نامه آمایش محیط، (۱).
- حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجمف. (۱۳۸۵). کاربردمدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، تهران، انتشارات علم نوین.
- راولز، جان. (۱۳۸۳). عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- رعییان، مجتبی؛ شالی، محمد. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، برنامه ریزی و آمایش فضا، (۴).
- صالحی، اسماعیل؛ پور اصغر سنگچین، فرزام؛ دیناروندی، مرتضی. (۱۳۹۱). سنجش سطح توسعه یافتگی استان کردستان با استفاده از مدل تحلیل خوش‌ای، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، (۳)، ۷.
- صرفی، مظفر. (۱۳۸۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی کشور در پرتو حکمرانی خوب شهری، هفت شهر، شماره ۲۳ و ۲۴.
- صرفی، مظفر. (۱۳۹۴). توسعه منطقه‌ای و عدالت فضایی، دومین نشست تخصصی توسعه منطقه‌ای استان سمنان، گروه شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- ضرابی، اصغر؛ تبریزی، نازنین. (۱۳۹۰). تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران- رویکرد تحلیل عاملی، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، (۱۲).
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۰). توسعه منطقه‌ای: نظریه‌ها و تکنیک، چاپ خوش بینی: تهران.
- گلدسته، اکبر. (۱۳۸۰). SPSS راهنمای کاربران، چاپ سوم، جلد دوم، تهران: انتشارات حامی مرکز فرهنگی.
- منصورفر، کریم. (۱۳۸۵). روش‌های پیشرفت‌هه آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتري، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مومنی، منصور؛ قیومی، علی. (۱۳۹۱). تحلیل‌های آماری با استفاده از spss، چاپ هفتم، ناشر: مولف.
- محمدی، جمال؛ عبدالی، اصغر؛ بیرونوند، محمد. (۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخش‌های مسکن و خدمات رفاهی - زیربنایی، کشاورزی و صنعت، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، (۱۲)، ۲۵.
- نشریه شماره ۴، (۱۲۸۴)، پدافندگیر عامل، آشنایی با فضاهای امن پناهگاهی، قرارگاه، خاتم الانبیاء، تهران.
- نظم فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه؛ باختر، سهیلا. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۳۶.
- لیلیان، رضا؛ رخشبی نسب، حمیدرضا؛ رمضان زاده، رقیه. (۱۳۹۰). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال سوم، ش. ۶.
- Apostolache, M. A. 2014. **Regional Development in Romania–From Regulations to Practice.** Procedia Economics and Finance, 8, 35-41.
- Amin Bi Dokht, A. A. 2007. **Ranking of Semnan Cities by level of Development,** Growth of Geography Educating Journal 76, PP. 17-23.
- .Bhatia,V.K & Rai,S.C .2004.**Evaluation Of Socio- Economic Development in Small Areas,New Dehli,** 23(1).

- Erkut, G. & Ozgen, C. 2003. **The economic and spatial peripherality of border regions in South Eastern Europe**, The 43rd European Congress of the Regional Science Association, pp. 23- 35.
- Fedorov, L. 2002. **Regional inequality and regional polarization in Russia**, 1990–99. World Development, 30(3): 443-456.
- Haughton, G., & Counsell, D. 2004. **Regional, Spatial Strategies and Sustainable Development**, Routledge.
- Kawachi, I., Subramanian, S. V., & Almeida-Filho, N. 2002. **A glossary for health inequalities**. Journal of epidemiology and community health, 56(9): 647-652.
- Lees, N. 2010. **Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice**, Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th 2010.
- Leigh, A. Jencks, CH. 2007. Inequality and Mortality: Long-run evidence from a panel of countries, **Journal of health Economics**, 26, pp1-24.
- Masoumi Ashkvari, S.H. 2007. **Principles of Regional Planning, Tehran**, Payam Publications, 23(1): 94–104.
- Mardia K, R.J.T. Kent and J.M.Bibby. 1982. **Multivariate Analysis**, Published by Academic Press INC, United State.
- Pacione, M . 2003. **Urban Geography, a Global Perspective**, 2th, London:Routledge, 2016.03.009.
- Shahdadi, H. 1989. **Application of socio - economic indicators in development planning**, Tehran, Plan and Budget Organization press.
- Streeten, P. 1999. **Economic Development in third world**, Boston University. <http://www.ostan.kd.ir>.
- Todaro, M. 1990. **Economic Development in Third World**, Translated to Persian by Gholam Ali Farjadi, Tehran, First Printing.
- Todes. H. 2001. **A the use of spatial framework in reginal development in South Africa**, Regional studies, vol 35.
- UNDP. 2010. **Human Development Report:40-year**, Trends Analysis Shows Poor Countries Making Faster Development Gains.
- Winkler, A. 2012. **Measuring regional inequality**, an index of socio-economic pressure for Serbia. Zbornik radova-Geografski fakultet Univerziteta u Beogradu, (60): 81-102.
- Wheeler, S. 2002. **The New Regionalism: Key Characteristic of an Emerging movement**, journal of the American Planning Association, 68(3), 267-278.
- Wilkinson R, Kater P.2006, Income Inequality and population health: Areviw and explanation of the evidence. **Social Sience & Medicine**, 62, pp 1768-1784.
- Ziyzri, KA., Zanjirchi, SM. and Sorkh Kamal, K. 2011. **Evaluation and Ranking of Development Degree in Cities of Khorasan Razavi, using TOPSIS technique**, Journal of Human Geography 42, PP. 17-30.